سوال شماره چهار (گرامر زبان آلمانی)

written by مرتضی غلام نژاد | نوامبر 21, 2015

بررسی سه فعل setzen, legen, stellen

setzen -> گذاردن ، نهادن ، قرار دادن ، نشاندن

legen -> قرار دادن ، نهادن ، گذاشتن

stellen -> نهاندن ، قرار دادن ، گذاردن ، ایستاندن

همانطور که می بینید این سه فعل از نظر معنی و مفهموم در زبان فارسی بسیار شبیه به یکدیگر هستند اما از آنجایی که در زبان آلمانی هر کاری و هر چیزی فعل مربوط به خودش رو داره مانند رفتن با پای پیاده gehen یا رفتن با ماشین fahren یا رفتن با هواپیما fliegen و خیلی افعال دیگه که هر کدوم مخصوص به عمل و کار مربوط به خودشان هستند. خب بذارید چند مثال برای این افعال بزنیم تا بیشتر با روش استفاده از آنها آشنا بشیم.

stellen : هر چیزی رو که به صورت ایستاده بشه قرارش داد یا بشه جای گذاشتش مانند : قرار گرفتن گلدان به روی زمین یا به روی میز ، یا گذاشتن لیوان به روی میز که به صورت ایستاده یا عمودی هستش.

Das Glas steht auf dem Tisch

آن لیوان (به صورت ایستاده) به روی میز قرار دارد.

نکته : میشه برای این فعل یه همچین برداشتی داشته باشید که مثلا اشیاء یا هر چیز دیگر روی پای خودشون ایستاده باشند، مثلا گلدان انگار به روی پای خودش ایستاده یا لیوان هم به همین شکل

Die Blumen in die Vase stellen

آن گل ها (به صورت ایستاده) در گلدان قرار دارند.

Etwas nicht stellen können

چیزی رو نتوان به صورت ایستاده قرار دادن

Eine Sache über eine andere stellen

اشیای را بالاتر از اشیاء دیگه (به صورت ایستاده) قرار دادن

legen : هر چیزی را که بشود به روی چیز دیگری خواباند. مانند دراز کشیدن آدم به روی تخت ، یا دراز کشیدن سگ به روی مبل ، یا پهن کردن سفره به روی زمین. این فعل دقیقا برعکس stellen که بیشتر در مواردی به کار میرفت که اشیاء ما معمولا به صورت عمودی ایستاده بودند به کار میرود یعنی این فعل هر چیزی که بشود به صورت افقی به روی چیزی یا جایی قرار داد.

Er legt das Kind auf den Rücken

او (مذکر) آن بچه را به روی پشتش (به صورت خوابیده یا دراز کش) قرار میدهد.

Schnee legt sich wie eine Decke auf das Feld

برف خودش را همچون یک پتو به روی مزرعه قرار میدهد (می خواباند به صورت دراز کش)

Weinflaschen stellen, nicht legen

بطری های شراب ایستاده اند نخوابیده اند

یعنی عمودی ایستاده اند و به صورت افقی به روی جایی گذاشته نشده اند.

پس اینگونه برداشت میکنیم از این فعل ، هرگاه هر چیزی را بشود به صورت دراز کش یا افقی به روی چیز دیگری قرار داد.
مانند دراز کشیدن برف به روی مزرعه یا دراز کشیدن بچه به زیر میز و ...

setzen : هر چیزی را که بشود نشاند تا در جایی قرار بگیرد، مانند نشاندن بچه به روی صندلی

Ein Kind auf einen Stuhl setzen

یک بچه ای را به روی یک صندلی قرار دادن (نشاندن)

Den Hut auf den Kopf setzen

آن کلاه را به روی سر قرار دادن (نشاندن)

Einen Topf auf den Herd setzen

یک قابلمه را به روی گاز قرار دادن (نشاندن)

البته افعال دیگه ای در این زمینه وجود دارند که شاید بارها دچار سر درگمی شده باشید و یا ندونید چگونه از اونها استفاده کنید. که بهترین روش برای درک این مطالب خواندن روزنامه و کتاب و حل تمرین به زبان آلمانی است که ذهن شما کم کم آشنا میشه و یاد میگیره که چطور به صورت اتوماتیک از آن افعال استفاده کند.

چنانچه سوال یا نظر یا حتی مثالی در این زمینه دارید لطفا به زیر این مطلب اضافه کنید.

موفق باشید.